



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
دوره ۱۳ / شماره ۴ (پیاپی ۵۲) / زمستان ۱۴۰۳
صفحه ۵۴۹ تا ۵۷۲

نقش مدیریت سود در تأثیر معاملات با اشخاص وابسته، بحران مالی و اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی

عبدالرسول رحمانیان کوشکی

استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
abr.rahmanian@pnu.ac.ir

عایشه معصومی

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته، بحران مالی و اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی با تأکید بر نقش میانجیگری مدیریت سود می‌پردازد. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی بوده و از بعد روش شناسی همبستگی از نوع علی (پس رویدادی) می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و با استفاده از روش نمونه گیری حذف سیستماتیک، ۱۳۳ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده در دوره زمانی ۱۰ ساله بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که معاملات با اشخاص وابسته بر اجتناب مالیاتی تأثیر معکوس دارد. ولی، مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی تأثیر مستقیم دارد. همچنین، معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود تأثیر مستقیم دارد. اندازه شرکت بر مدیریت سود تأثیر مستقیم دارد. معاملات با اشخاص وابسته بر اجتناب مالیاتی با نقش میانجیگری مدیریت سود تأثیر دارد.

واژه‌های کلیدی: معاملات با اشخاص وابسته، بحران مالی، اندازه شرکت، اجتناب مالیاتی، مدیریت سود.

۱- مقدمه

از دیدگاه نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش برای کاهش مالیات‌های پرداختی است (هانلوم و هیتزمن^۱، ۲۰۱۰). فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی است، اما اجتناب مالیاتی در واقع نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی برای کاهش مالیات است. بنابراین، از آنجا که اجتناب مالیاتی فعالیتی به ظاهر قانونی است، به نظر می‌رسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین برای استفاده از مزایای مالیاتی است، قوانین محدودکننده‌ای در زمینه کنترل آن وجود ندارد (خانی و همکاران، ۱۳۹۳). به نظر می‌رسد بسیاری از شرکتها درگیر اجتناب مالیاتی باشند. به تازگی اجتناب از پرداخت مالیات به دلیل پیامدهای اقتصادی فراوان، توجه بسیاری از تحقیقات دانشگاهی و عملی را به خود معطوف کرده و تحقیقات زیادی در مورد عوامل درون سازمانی و برون سازمانی موثر بر اجتناب از پرداخت مالیات انجام شده است. شناسایی مولفه‌های موثر بر اجتناب از مالیات، می‌تواند سیاست‌گذاران و قانونگذاران را در خصوص تدوین قوانین مالیاتی مناسب یاری کند (مهربان‌پور و همکاران، ۱۳۹۶).

از طرفی در رسوایی‌های مالی رخ داده اخیر (آدلفیا و انرون در آمریکا و پارمالات در اروپا)، معاملات با اشخاص وابسته به یکی از کانون‌های نگرانی تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که استفاده هدفمند از این معاملات و عدم افشای آنها یا کافی نبودن افشا، از عوامل سقوط شرکتها بوده است. به گفته دیگر، یکی از دلایل رسوایی شرکت‌های بزرگ آمریکا، ضعف در گزارشگری مالی و به خصوص، ضعف در گزارش معاملات با اشخاص وابسته شناخته شده است. وجود معامله با اشخاص وابسته یکی از نشانه‌های حسابداری متهورانه است. وجود معامله با اشخاص وابسته، یکی از نه دلیل عمده‌ای است که شرکتها را ترغیب می‌کند تا گزارش‌های مالی خود را به طور مجدد ارائه کنند (سرلک و اکبری، ۱۳۹۲). رابطه با شخص وابسته می‌تواند، بر وضعیت، عملکرد و انطاف پذیری مالی واحد تجاری تأثیرگذار باشد. اشخاص وابسته ممکن است، معاملاتی انجام دهد که اشخاص غیر وابسته، انجام نمی‌دهند و مبالغ معاملات بین اشخاص وابسته ممکن است با مبالغ مشابه بین اشخاص غیر وابسته، یکسان نباشد (جلالی و همکاران، ۱۳۹۶). به دلیل مذکور، ممکن است شرکت‌هایی که معاملات با اشخاص وابسته را بالایی دارند، تقاضای کمتری برای کنترل داخلی قوی داشته باشند.

عواملی که منجر به ورشکستگی یک شرکت می‌شوند، یکباره ظهور نمی‌کنند. نشانه‌های وجود درماندگی مالی یک شرکت بسیار زودتر از ورشکستگی نهایی نمایان می‌شوند. درماندگی مالی وضعیتی است که شرکت برای کسب منابع مالی کافی جهت عملیاتش ناتوان است و در انجام امور خود دچار زحمت می‌شود (مک کی و همکاران^۲، ۲۰۰۶). در این وضعیت شرکت برای مواجه شدن با تعهدات خود در سر رسید ناتوان است در این وهمنین شرکت در تولید وجه نقد کافی برای رفع نیازهایش همچون پرداختها به وام دهندگان و ... توانایی کافی را ندارد (جاننادهج^۳، ۲۰۰۶). در ادبیات مالی تاکید بر این است که شرکتها سالها قبل از ظهور ورشکستگی وارد چرخه درماندگی مالی می‌شوند و رویدادهای اقتصادی مختلفی در دوره قبل از ورشکستگی اتفاق می‌افتد.

¹ Hanlon & Heitzman

² Mckee

³ Jantadej

مدیریت سود عبارت است از رفتار آگاهانه‌ای که به منظور کاهش نوسانات دوره‌ای سود شکل می‌گیرد که طبیعتاً باید تأکید کرد این رفتار آگاهانه با نوعی قضاوت و اعمال نظر همراه است که می‌تواند ارزیابی مدیریت سود را به شکل ذهنی و فاقد معیاری مشخص درآورد، حال نکته مهم در اینجا آشکار می‌شود و آن این است که حتی افرادی که مدیریت سود را مثبت ارزیابی می‌کنند نیز به گونه‌ای معترفند که در یک بازار غیر کارا چنین پدیده‌ای می‌تواند منجر به گمراهی استفاده‌کنندگان شود. مدیریت سود بعنوان فرآیند برداشتن گام‌های آگاهانه در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری برای رساندن سود گزارش شده به سطح سود مورد نظر تعریف شده است، که عمل نزدیک کردن سود گزارش شده به سطح سود هدف از طریق دستکاری حسابداری انجام می‌گیرد (گل و جاجی^۱، ۲۰۱۴).

با مراجعه به تئوری نمایندگی، مشکلی که به وجود می‌آید، بروز تضاد منافع بین مالکان و مدیریت است (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). این معامله با اشخاص مرتبط کلید قیمت گذاری ناعادلانه انتقالی است. هرچه تراکنش بین گروه‌های شرکت‌ها بیشتر باشد، ارزش قیمت گذاری انتقالی بیشتر است. پارک (۲۰۱۸) بیان می‌کند که معاملات اشخاص مرتبط بر سطح اجتناب مالیاتی در گروه تجاری تأثیر می‌گذارد (ماهاردیکا و سوجانداری، ۲۰۲۲). مشکلات مالی تجربه شده توسط شرکت می‌تواند احتمال ورشکستگی را افزایش دهد. برای اطمینان از بقای شرکت، مدیریت شیوه‌های اجتناب از مالیات را انجام می‌دهد (بروندولو، ۲۰۰۹). تحقیقات انجام شده توسط میلیا و ادنان^۲ (۲۰۱۷) نتایج نشان می‌دهد که درماندگی مالی تأثیر قابل توجهی بر اجتناب از مالیات دارد. بر اساس تئوری قدرت سیاسی، هرچه اندازه شرکت بزرگتر باشد، منابع بیشتری برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت دارد تا به نفع شرکت باشد (زیگفرید، ۱۹۷۲). در تحقیق دوینتا و ستیاوان^۳ (۲۰۱۶) دریافتند که اندازه شرکت تأثیر مثبتی بر اجتناب از مالیات دارد. معاملات اشخاص وابسته را می‌توان به مواردی که مضر یا سودآور هستند طبقه بندی کرد (اوتاما^۴، ۲۰۱۵). تئوری نمایندگی، معاملات اشخاص مرتبط را از منظر تضاد منافع می‌بیند. الیانی (۲۰۱۸) در تحقیق خود اشاره می‌کند که اثر غیرمستقیم معاملات اشخاص وابسته بر تهاجم مالیاتی از طریق مدیریت سود وجود دارد و مدیریت سود می‌تواند رابطه بین معاملات اشخاص وابسته و تهاجم مالیاتی را واسطه کند (ماهاردیکا و سوجانداری، ۲۰۲۲). نتایج به دست آمده از این پژوهش می‌تواند به شکل کاربردی و عملی مورد استفاده سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران مالی و سایر استفاده‌کنندگان همچون سازمان امور مالیاتی، بانک‌ها یا موسسات مالی و اعتباری، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی و ... قرار گیرد. همچنین، نتایج پژوهش می‌تواند به سهامداران در پیش‌بینی دورنمای کلی شرکت یاری رساند و توجه آنها را به سمت مباحث مالیاتی شرکت هدایت کند. سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران نیز می‌توانند نتایج این پژوهش را مبنایی برای ارزیابی کمیت و کیفیت محتوای اطلاعاتی گزارشات و صورت‌های مالی ارائه شده از سوی مدیریت قرار دهند. بنابراین با توجه به مطالب

1 Gul & Jaggi

2 Meilia & Adnan

3 Dewinta & Setiawan

4 Utama

فوق سوال اصلی پژوهش به شرح زیر مطرح می‌گردد که تاثیر معاملات با اشخاص وابسته، بحران مالی و اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی با تاکید بر نقش میانجیگری مدیریت سود چگونه است؟

۲- مبانی نظری، ادبیات و توسعه فرضیه‌ها

اشخاصی وابسته تلقی می‌شوند که یکی از آنان بتواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیم‌گیری‌های عمده مالی و عملیاتی طرف دیگر، کنترل یا نفوذ قابل ملاحظه‌ای اعمال کند یا هردو تحت کنترل مشترک یا نفوذ قابل ملاحظه مشترک، شخص ثالثی باشند (درحدی که در انجام یک معامله منافع مستقل یکی از آنها تحت شعاع منافع دیگری قرار گرفته باشد) (اسماعیل زاده مقری و همکاران، ۱۳۹۵). هیات استانداردهای حسابداری مالی (۱۹۸۲) بیان می‌کند که معاملات با اشخاص وابسته نمی‌تواند در شرایط منصفانه انجام شود و با تأثیری که بر قابلیت اتکای صورتهای مالی می‌گذارد، ممکن است برای استفاده کنندگان صورتهای مالی گمراه‌کننده باشند. با این وجود معاملات با اشخاص وابسته بین شرکتها رایج است و موضوع مهم در این معاملات، این است که منافع سهامداران خرد در مقایسه با منافع مدیرعامل یا سهامداران کنترل‌کننده در اولویت پایین‌تر قرار می‌گیرد. شرمین و یانگ^۱ (۲۰۰۱) در تحقیق خود، شش نقطه حساس شناسایی کردند که احتمال رخداد حسابداری تهاجمی در آنها بیشتر است. یک از این نقاط، معاملات با اشخاص وابسته است که به شرکتها اجازه می‌دهد سود را دلخواهانه کم یا زیاد کنند. معامله با اشخاص مرتبط کلید قیمت‌گذاری ناعادلانه انتقالی است. هرچه تراکنش بین گروه‌های شرکتها بیشتر باشد، ارزش قیمت‌گذاری انتقالی بیشتر است (ماهاردیکا و سوجانداری^۲، ۲۰۲۲). پارک (۲۰۱۸) بیان می‌کند که معاملات اشخاص مرتبط بر سطح اجتناب مالیاتی در گروه تجاری تأثیر می‌گذارد. یکسری قوانین و مقررات در واقع بیانگر عادی بودن معامله با اشخاص وابسته در عملیات شرکت است. با این حال، این نوع معاملات فرصتی را برای مدیریت فراهم می‌کند تا برای منافع شرکت مرتکب تقلب شود. در برخی موارد در اندونزی، سهامداران آسیب‌دیده سهامداران اقلیت هستند یا بخشی از خانواده موسس شرکت نیستند (ماهاردیکا و سوجانداری، ۲۰۲۲). بریگام و هوستون^۳ (۲۰۰۱) اندازه شرکت را میانگین کل فروش خالص سال تا چندین سال بعد تعریف می‌کنند. شرکت درآمد قبل از کسر مالیات از نظر فروش بیشتر از هزینه‌های متغیر و هزینه‌های ثابت به دست می‌آورد. از طرفی اگر فروش کمتر از هزینه‌های ثابت و متغیر باشد، شرکت متحمل ضرر می‌شود. شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچک تمایل دارند منابعی برای کسب سود داشته باشند. سودهای کلان و پایدار پیامدهای پرداخت مالیات‌های کلان را نیز به همراه دارد، بنابراین می‌تواند مدیریت را به اجتناب از مالیات تشویق کند. علاوه بر این، پیچیدگی کسب و کار نیز فرصت‌های بیشتری را برای اجتناب از مالیات فراهم می‌کند (ماهاردیکا و سوجانداری، ۲۰۲۲). برخی از مطالعات نشان می‌دهند در سال‌های اخیر تصور این‌که شرکت‌های بزرگ مالیات واقعی خود را نمی‌پردازند شدت یافته است؛ این تصور بعد از رسوایی‌های اخیر تقویت گردیده

1 Sherman and Young

2 Mahardhika & Surjandari

3 Brigham & Houston

است. انرون نمونه خوبی از این نوع شرکت ها است؛ این شرکت تا قبل از ورشکستگی خود مالیات ناچیزی پرداخت می کرد، درحالی که در همین اثنا درآمدهای هنگفتی شناسایی و گزارش می نمود (کیم و یانگ، ۲۰۰۵). تعیین سود توسط مدیر انجام می شود زیرا میزان مالیات باید بر اساس سود در صورت های مالی تعیین شود (سولستیانتو^۱، ۲۰۱۸). تحقیقات انجام شده در مورد اندازه شرکت توسط پورنما^۲ (۲۰۱۷) به این نتیجه می رسد که اندازه شرکت تأثیر مثبت معناداری بر مدیریت سود دارد. یکی از راههایی که شرکتها می توانند میزان وجه نقد خود را بدون نیاز به منابع خارجی افزایش دهند، فعالیت های برنامه ریزی مالیاتی می باشد. شرکتها می توانند از طریق فعالیت های اجتناب از پرداخت مالیات، میزان خروجی عایدات شرکت را از طریق مالیات کاهش دهند و به نوعی یک جریان نقدی را به درون شرکت ایجاد کنند. صرفه جویی ناشی از فعالیت های اجتناب از پرداخت مالیات می تواند منبع مالی ارزشمند برای ضعف مالی شرکت باشد و تأمین مالی از طریق بدهی یا وجه نقد را کاهش دهد (کیم و همکاران، ۲۰۰۵). از طرف دیگر، شرکتهایی که با محدودیت مالی بیشتری روبرو می شوند، انگیزه بیشتری دارند که برای تأمین منابع مالی از پرداخت مالیات اجتناب کنند. با به کارگیری رفتار جسورانه مالیاتی، شرکتهایی که از نظر مالی در محدودیت قرار دارند، می توانند وجه نقد بیشتری را صرفه جویی کنند و این شرکتها تمایل دارند که از وجه نقد صرفه جویی شده برای رفع مشکل سرمایه گذاری استفاده کنند (چن و لای، ۲۰۰۴). از سوی دیگر آلمیدا و همکاران (۲۰۱۱) استدلال می کنند شرکت های دارای محدودیت مالی، به منظور بهره برداری از فرصت های سرمایه گذاری سودآور آتی و جلوگیری از هدر رفتن چنین فرصت هایی، قسمت زیادی از جریان نقدی خود را ذخیره می کنند. بنابراین انتظار می رود بین اجتناب از پرداخت مالیات و میزان وجه نقد در شرکت هایی که با محدودیت مالی روبرو هستند، رابطه قوی تری وجود داشته باشد. شرکت هایی که در صنایع رقابتی فعالیت می کنند بیشتر در معرض شوک های بازار قرار دارند و رفتار یک شرکت تک مالکی می تواند کل بازار را تحت تأثیر قرار دهد (مهربان پور و همکاران، ۱۳۹۶). هدف اصلی گزارشگری مالی، کمک به کلیه ذینفعان شرکت برای تصمیمگیری است و مبنای تصمیمگیری در خصوص مالیات تعلق گرفته به شرکتها، سود حاصل از فعالیتهای تجاری آنهاست (مدرس و زارعیان، ۱۳۹۲) از آن جایی که تهیه صورتهای مالی به عهده مدیریت است، ممکن است مدیریت به دلایل مختلف از جمله انگیزه های مالیاتی اقدام به مدیریت سود کند (صدیقی، ۱۳۹۸). میبری و همکارانش (۲۰۱۵) دریافتند که هموارسازی احتیاطی با سطوح بالاتری از اجتناب مالیاتی آینده مرتبط است. لو و نیسیم (۲۰۰۴) معتقدند که هموارسازی درآمد مشمول مالیات یک راهبرد برنامه ریزی مالیاتی است درآمد مشمول مالیات را هموارسازی می کند. میبری و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود دریافتند که شرکتهایی که درآمد مشمول مالیات خود را هموارسازی می کنند نتایج مطلوبتری در خصوص فعالیتهای اجتناب مالیاتی آینده خود دارند به گونه ای که مطابق با هموارسازی عدم اطمینان مرتبط با مزایای مالیاتی کاهش یافته و به شرکت ها اجازه میدهد تا استراتژیهای اجتناب مالیاتی موفقتری را ایجاد کرده و توسعه دهند. خدای پور و روستایی (۱۳۹۳) به بررسی ارتباط بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات با اجتناب از مالیات و محتوای اطلاعاتی

1 Sulistyanto

2 Purnama

آن پرداختند معیار مورد استفاده جهت سنجش اجتناب از مالیات، نرخ مؤثر مالیاتی نقدی است. نتایج نشان داد که بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی رابطه‌ی منفی و معنی‌داری وجود دارد این نتیجه در راستای این واقعیت است که هموارسازی درآمد مشمول مالیات، عدم قطعیت مربوط به مزایای مالیاتی آتی را کاهش می‌دهد و این امکان را برای شرکتها فراهم می‌آورد تا استراتژی اجتناب مالیاتی موفق‌تری را بکار گیرند. چونگ و همکاران (۲۰۰۹)، چگونگی قیمت‌گذاری در معاملات با اشخاص وابسته را آزمون کردند. آنها به این نتیجه رسیدند قیمت‌ها در خرید و فروش دارایی با اشخاص وابسته به شکل دلخواه تنظیم می‌شود. سرلک و اکبری (۱۳۹۲)، رابطه معاملات اشخاص وابسته با مدیریت سود را آزمون کردند. یافته‌های پژوهش نشان داد معاملات اشخاص وابسته با مدیریت سود رابطه‌ی معنادار و مثبت دارد. در یک نگاه جامع می‌توان بین داشت ساختار مالکیت موجب می‌شود حجم معاملات اشخاص وابسته افزایش یابد. این موضوع، سهامداران را نسبت به سود مدیریت و سو استفاده منابع شرکت نگران می‌کند. به گونه‌ای که بازار را بر آن می‌دارد به معاملات اشخاص وابسته واکنش منفی نشان دهد و شرکتهای بزرگتر به میزان بیشتری با اشخاص وابسته معامله می‌کنند. به این سبب، انتظار می‌رود ساختار مالکیت متمرکز با معاملات اشخاص وابسته اعم از عملیاتی و غیر عملیاتی رابطه‌ی مثبت داشته باشد و این رابطه در گروههای تجاری بزرگتر در مقایسه با گروههای تجاری کوچکتر از قوت بیشتری برخوردار باشد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۵). با وجود آنکه از منظر حسابرسی، معاملات با اشخاص وابسته شاخص بالقوه ریسک حسابرسی محسوب می‌شود، ناتوانی حسابرسان در شناسایی این معاملات، جزء یکی از کاستی‌های موجود در حسابرسی است. که این مسئله موجبات رفتار فرصت طلبانه مدیران و افزایش مدیریت سود را در پی دارد. خدای پور و همکاران (۱۳۹۱) براساس استاندارد شماره ۱۲ مصوب سال ۱۳۸۶، تأثیر الزامات افشای معاملات با اشخاص وابسته را بر مدیریت سود مورد بررسی قرار دادند نتایج حاصل از پژوهش آنها نشان داد که ضریب ارزشی سود برای شرکت‌های فروشندۀ موجودی کالا به اشخاص وابسته، بعد از تصویب الزامات جدید افشا، کاهش یافته است و همچنین ضریب ارزشی سود ناشی از فروش دارایی به اشخاص وابسته، در دورۀ بعد از الزامات افشا در مقایسه با دورۀ قبل از الزامات افشا، کاهش داشته است. آنها ارتباط معناداری بین الزامات افشای جدید و تأثیر آن بر کاهش دستکاری سود از طریق معاملات فروش دارایی به اشخاص وابسته، پیدا نکردند. کوآن و تاور، راسمین و میچل (۲۰۱۰) در پژوهشی، ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند. این پژوهش بر اساس یک نمونه شامل پنجاه شرکت اندونزیایی طی سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ انجام گرفت. آنها فرضیۀ پژوهش را بر اساس نظریۀ نمایندگی و تضاد منافع توسعه دادند. نتایج تجربی کوآن و همکاران نشان داد که شواهد آماری معناداری درباره‌ی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود وجود ندارد. با در نظر گرفتن تکنیکهای مدیریت سود، مدیران برای دستکاری سود که ممکن است بر کیفیت صورتهای مالی و تغییر قابلیت اتکای آن تأثیر داشته باشد، انگیزه‌های مختلفی دارند. این حالت به‌خصوص در دوران بحران مالی که فشار فراوانی بر مدیریت به منظور تغییر در عملکرد جاری شرکت وجود دارد، تشدید میشود. ادبیات مربوط به مدیریت سود نشان می‌دهد مدیران برای دستکاری سود گزارش شده طی دوره قبل از ورشکستگی، انگیزه بیشتری دارند. مسلم است که شرکتهای ورشکسته در مقایسه با شرکتهای سالم سود خود را در راستای افزایشی دستکاری می‌

کنند و در بعضی از شرایط، شرکتها به منظور از بین بردن علائم منفی بحران مالی، افزایش سودآوری و نقدینگی شرکت به این امر مبادرت می‌ورزند (دوتزی و راج^۱، ۲۰۱۶). با توجه به ارتباط بحران مالی و ابزارهای مدیریت سود در دسترس مدیران، این پرسش مطرح می‌شود که آیا درجه بحران مالی قبل از ورشکستگی شرکتها بر رفتار مدیران در انتخاب ابزارهای مدیریت سود تأثیر می‌گذارد یا خیر. انتظار می‌رود قبل از ورشکستگی، شرکت‌هایی با درجه بحران مالی بیشتر نسبت به شرکت‌هایی با درجه بحران مالی کمتر، سود خود را با دستکاری معاملات واقعی افزایش دهند و کمتر از دستکاری اقلام تعهدی استفاده کنند. زیرا دستکاری سود از طریق فعالیت‌های واقعی برای مدیران راحتتر بوده و کشف آن توسط حسابرسان دشوار است و وجوه نقد کافی برای شرکت ایجاد می‌کند (کامپا و کاماکو^۲، ۲۰۱۵). فرض بر این است که در طول یک بحران مالی، شرکت‌ها به احتمال زیاد سود خود را به دلیل مشکلات مالی دستکاری می‌کنند تا از ورشکستگی جلوگیری کنند. مطالعات بیان می‌کنند که مدیران شرکت‌های مواجه با درماندگی مالی ممکن است اطلاعات مالی خود را برای مخفی نمودن یا به تعویق انداختن وضعیت ورشکستگی دستکاری نمایند (میکو، ۲۰۱۵). مدیریت سود چتری برای فعالیت‌هایی است که به سود حسابداری گزارش شده یا تفسیر آن‌ها اثر می‌گذارد و شروع آنها از تصمیمات حسابداران است که تا حدی سود اقتصادی نهفته را به واسطه انتخاب رفتار حسابداری و اندازه تعهدات، در زمان تهیه، گزارش‌های مالی مشخص می‌کند و پایان آن در فعالیت‌هایی است که بر تفسیر گزارش‌های دوره‌ای اثر می‌گذارد (مرادی، ۱۳۹۵). چندین مطالعه نشان داده که مدیران شرکت‌های ورشکست شده، انگیزه‌های بیشتری برای مدیریت سود دارند. به طور مثال، جهت اجتناب از نقص قراردادهای بدهی و پنهان کردن شرایط نامطلوب خود اقدام به مدیریت سود می‌کنند. در مقابل برخی پژوهشگران نشان داده‌اند که مدیران شرکت‌های ورشکسته زمانی که ارگان‌های نظارتی برون سازمانی بیشتر بوده یا زمانی که حسابرسان در گزارش‌های خود صلاحیت تداوم فعالیت شرکت را منتشر می‌کنند، انگیزه بیشتری برای کاهش سود و اعمالی محافظه‌کاری بیشتر، پیدا می‌کنند. از طرفی به جز مواردی که ناشی از تعارض بین مدیران و سهامداران است، ممکن است در سایر موارد انگیزه‌ای برای بد جلوه دادن عملکرد شرکت بوسیله مدیریت سود وجود داشته باشد (لوپز، ۲۰۱۸). برخی دیگر از پژوهش‌های حسابداری نشان داده‌اند که مدیران شرکت‌ها در شرایط درماندگی مالی مایل به ارائه اطلاعات و اخبار خوب به بازار سرمایه هستند تا بدین وسیله، از کاهش ارزش شرکت جلوگیری نمایند (سیالا و جارویی، ۲۰۱۹). بنابراین در صورت دستکاری صورت‌های مالی، به هدف فلسفه وجودی صورت‌های مالی خدشه وارد می‌شود. به علاوه وجود بسترهایی چون تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکیت و مدیریت از یک طرف و بروز رسوایی‌های مالی از طرف دیگر، امکان تحریف و دستکاری اطلاعات توسط مدیریت را فراهم می‌نماید. از سوی دیگر جهانی شدن کسب و کار، لزوم استفاده از زبان حسابداری مشترک جهت اندازه‌گیری پیامدهای اقتصادی و همچنین نظارت و اجرای رویه‌های مناسب برای مدیریت مالی فعالیت‌های صورت گرفته به وسیله مدیران سازمان، زمینه مناسب پژوهشی در مورد انتخاب حسابرس برای دستیابی به هدف‌های از پیش تعیین شده را فراهم می‌سازد (کیراکو، ۲۰۲۰). معاملات اشخاص وابسته را می‌توان به مواردی

1 Dutzi & Rausch

2 Campa & Camacho-Miñano

که مضر یا سودآور هستند طبقه بندی کرد (اوتاما^۱، ۲۰۱۵). تئوری نمایندگی، معاملات اشخاص مرتبط را از منظر تضاد منافع می‌بیند. الیانی (۲۰۱۸) در تحقیق خود اشاره می‌کند که اثر غیرمستقیم معاملات اشخاص وابسته بر تهاجم مالیاتی از طریق مدیریت سود وجود دارد و مدیریت سود می‌تواند واسطه ارتباط بین معاملات اشخاص وابسته و تهاجم مالیاتی باشد (ماهاردیکا و سوجانداری، ۲۰۲۲). مشکلات مالی شرکت‌ها را تشویق می‌کند تا درآمد عملیاتی موقت را با دستکاری سیاست‌های حسابداری افزایش دهند، به طوری که به نظر می‌رسد می‌توانند بدهی‌ها را پرداخت کنند یا پرداخت‌ها به طلبکاران را دستکاری کنند (فرانک و همکاران، ۲۰۰۹). دیوی و همکاران (۲۰۲۰) به این نتیجه رسیدند که درماندگی مالی بر اجتناب مالیاتی تأثیر دارد. ریچل مولجونو و سوک (۲۰۱۸) اظهار داشتند که ثابت شده است که درماندگی مالی رابطه مثبت و معناداری با میزان مدیریت سود واقعی دارد. شرکت‌های بزرگ تمایل دارند منابعی برای کسب سودهای کلان و پایدار با عواقب پرداخت مالیات‌های کلان نیز داشته باشند تا بتوانند با بهره‌برداری از شکاف‌های موجود در پیچیدگی عملیات، مدیریت را به اجتناب از مالیات تشویق کنند.

نوآوری این پژوهش این است که شرکت‌ها برای حفظ ارزش خود و تامین منابع مالی مورد نیاز اقدام به اجتناب از پرداخت مالیات می‌کنند یعنی از ضعف و خلاءهای قانونی در جهت کم کردن مالیات خود اقداماتی انجام می‌دهند. یعنی استراتژیهای خاص خودشان را در این زمینه پیاده می‌کنند. از مهم ترین عواملی که در بازار نیمه ساختار یافته می‌تواند بر اجتناب مالیاتی شرکت اثرگذار بوده و تحت تاثیر قرار دهد معاملات با اشخاص وابسته، بحران مالی و اندازه شرکت است و همچنین این عوامل می‌توانند از طریق مدیریت سود اجتناب از پرداخت مالیات را تحت تاثیر قرار دهند. و از سوی دیگر، این پژوهش از چندین منظر به توسعه ادبیات پژوهش (به ویژه در بستر بازار سرمایه ایران) کمک می‌نماید. اجتناب مالیاتی و سعی در اجتناب از پرداخت مالیات، نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است که می‌تواند از طریق انتقال درآمد به یک منطقه با مالیات کم و یا قیمت‌گذاری انتقالی انجام شود. با توجه به تعاریف مطرح شده در این زمینه، اجتناب مالیاتی بیانگر یک استراتژی مستمر و پایدار در زمینه برنامه ریزی مالی استراتژیک است که در برگیرنده فعالیت‌های کاملاً قانونی است که از آنجا می‌توان به هدایت منابع واحد تجاری در جهت فعالیت‌های معاف از مالیات از جمله سرمایه‌گذاری در اوراق مشارکت، مطرح کردن معاملات و رویدادها در یک محدوده زمانی معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی و استفاده از روشهای حسابداری که صرفه جویی مالیاتی بیشتری ایجاد کرده و به عنوان سپر مالیاتی استفاده می‌کنند. اهمیت مسایل مالیاتی و عدم تمکین مالیاتی که در شرکتها بوجود می‌آید و همچنین ارتباط این متغیرها با معاملات اشخاص وابسته (که همواره ریسکی با خود به همراه دارد) و درماندگی مالی اهمیت این موضوع را بیش از پیش کرده است.

فرضیه های پژوهش

- فرضیه اول: معاملات با اشخاص وابسته بر اجتناب مالیاتی تأثیر دارد.
- فرضیه دوم: بحران مالی بر اجتناب مالیاتی تأثیر دارد.
- فرضیه سوم: اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی تأثیر دارد.
- فرضیه چهارم: مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی تأثیر دارد.
- فرضیه پنجم: معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود تأثیر دارد.
- فرضیه ششم: بحران مالی بر مدیریت سود تأثیر دارد.
- فرضیه هفتم: اندازه شرکت بر مدیریت سود تأثیر دارد.
- فرضیه هشتم: معاملات با اشخاص وابسته بر اجتناب مالیاتی با نقش میانجیگری مدیریت سود تأثیر دارد.
- فرضیه نهم: بحران مالی بر اجتناب مالیاتی با نقش میانجیگری مدیریت سود تأثیر دارد.
- فرضیه دهم: اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی با نقش میانجیگری مدیریت سود تأثیر دارد.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، پژوهشی کاربردی است. از نظر شیوه اجرا پژوهشی توصیفی- علی است، همچنین از نظر شیوه گردآوری داده‌ها از نوع تاریخی (پس رویدادی) است و نوع جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات کتابخانه‌ای می‌باشد. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش پس از انتخاب شرکت‌های نمونه و جمع‌آوری آمار و اطلاعات مورد نیاز، از مدل‌های رگرسیونی استفاده خواهد شد. همچنین جهت تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات پس از پردازش توسط نرم‌افزار صفحه‌گسترده اکسل، نرم‌افزار ایویوز مورد استفاده قرار گرفته است.

۳-۱. جامعه و نمونه آماری

قلمرو مکانی پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ می‌باشد. با توجه به محدودیت‌های ذکرشده تعداد ۱۳۳ شرکت به‌عنوان نمونه آماری طبق جدول ۱ انتخاب شده است.

جدول ۱. روند انتخاب نمونه

۵۳۴	جامعه آماری در سال ۱۴۰۰	
	(۶۹)	کسر می‌شود: شرکتهای دارای توقف معاملاتی سهام
	(۱۱۷)	کسر می‌شود: شرکتهای لغو پذیرش شده
	(۷۴)	کسر می‌شود: شرکتهایی که سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند نیست
	(۳۹)	کسر می‌شود: عدم دسترسی به داده‌ها
	(۱۰۲)	کسر می‌شود: شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانکها و بیمه‌ها
۱۳۳	نمونه نهایی پژوهش	

۲-۳. مدل جامع رگرسیونی پژوهش

مدل رگرسیونی برای آزمون فرضیه اول:

$$TA_{it} = \beta_0 + \beta_1 RPT_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 INTAN_{it}$$

مدل رگرسیونی برای آزمون فرضیه دوم:

$$TA_{it} = \beta_0 + \beta_1 FD_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 INTAN_{it}$$

مدل رگرسیونی برای آزمون فرضیه سوم:

$$TA_{it} = \beta_0 + \beta_1 Size_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 INTAN_{it}$$

مدل رگرسیونی برای آزمون فرضیه چهارم:

$$TA_{it} = \beta_0 + \beta_1 EM_{it} + \beta_2 EMLEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 INTAN_{it}$$

مدل رگرسیونی برای آزمون فرضیه پنجم:

$$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 RPT_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 INTAN_{it}$$

مدل رگرسیونی برای آزمون فرضیه ششم:

$$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 FD_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 INTAN_{it}$$

مدل رگرسیونی برای آزمون فرضیه هفتم:

$$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 Size_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 INTAN_{it}$$

اجزای مدل ها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. اجزای مدل های رگرسیون

نوع متغیر	نام متغیر	مخفف
وابسته	اجتناب مالیاتی	TA
مستقل	معاملات با اشخاص وابسته	RPT
مستقل	درماندگی مالی	FD
مستقل	اندازه شرکت	Size
میانجی	مدیریت سود	EM
کنترلی	اهرم مالی	LEV
کنترلی	بازده دارایی ها	ROA
کنترلی	نسبت دارایی نامشهود به کل دارایی	INTAN

مدل آزمون سوپل برای فرضیه ۸ تا ۱۰ پژوهش:

به منظور رسیدن به هدف اصلی و فرضیه اصلی مورد نظر پژوهش یعنی نقش میانجی گری مدیریت سود با استفاده از سه مدل رگرسیونی در فرضیات فرعی پژوهش و بدست آوردن ضرایب مسیر a, b با استفاده از آزمون سوپل نقش میانجی گری مدیریت سود را رد یا تایید می کنیم.

$$Z - \text{Value} = \frac{a * b}{\sqrt{(b^2 * s_a^2) + (a^2 * s_b^2) + (s_a^2 * s_b^2)}}$$

در این رابطه:

a: ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی

b: ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته

Sa: خطای استاندارد مسیر متغیر مستقل و میانجی

Sb: خطای استاندارد مسیر متغیر میانجی و وابسته

۳-۳. تعاریف عملیاتی متغیرها

متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی (TA)

در این تحقیق به پیروی از مطالعه ماهاردیکا و سوجانداری (۲۰۲۲) از نرخ مؤثر مالیات نقدی برای اندازه گیری اجتناب مالیاتی استفاده می شود. نرخ مؤثر مالیات نقدی برابر است با مالیات نقدی پرداختی تقسیم بر سود قبل از کسر مالیات، ضرب در منفی یک (-۱) (خدمای پور و همکاران (۱۳۹۱)).

$$(-1) \times \frac{\text{مالیات نقدی پرداختی}}{\text{سود قبل از کسر مالیات}} = \text{نرخ مؤثر مالیات نقدی}$$

متغیرهای مستقل

معاملات با اشخاص وابسته (RPT): در این پژوهش، معاملات با اشخاص وابسته به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته می شود. مقدار این معاملات مطابق با پژوهش حمیدی و شعری (۱۳۹۱) و بنافی و همکاران (۱۳۹۴) از لگاریتم طبیعی جمع کل مبالغ معاملات با اشخاص وابسته (خرید کالاها و خدمات از اشخاص وابسته + فروش کالاها و خدمات به اشخاص وابسته) افشاء شده در یادداشتهای همراه صورتهای مالی سالانه شرکتهای مورد بررسی به دست می آید.

بحران مالی (FD): جهت تفکیک شرکتهای نمونه به درمانده مالی و غیردرمانده مالی از معیار Z آلتمن به پیروی از تحقیق فروغی و همکاران (۱۳۹۶) استفاده می شود که این رابطه بصورت زیر می باشد:

$$Z' = 0.717X_1 + 0.847X_2 + 3.107X_3 + 0.42X_4 + 0.998X_5$$

که در آن:

X1: سرمایه در گردش به کل داراییها

X2: سود انباشته به کل داراییها

X3: سود قبل از بهره و مالیات به کل داراییها

X4: ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به کل بدهیها

X5: درآمد فروش به کل دارایی‌ها

در این پژوهش شرکتها بر مبنای شاخص ۲/۹ به دو دسته درمانده مالی و غیر درمانده مالی تقسیم می‌شوند، بنابراین بعد از محاسبه Z برای شرکتهای عضو نمونه، شرکتها بر اساس معیار Z رتبه بندی می‌شوند، بطوریکه اگر $Z < 2/9$ باشد، شرکت درمانده مالی تشخیص داده می‌شود و متغیر مجازی ۱ را به خود خواهد گرفت و در غیر اینصورت اگر $Z \geq 2/9$ باشد، شرکت غیردرمانده مالی تشخیص داده می‌شود و متغیر مجازی صفر را اخذ خواهد کرد (فروغی و همکاران، ۱۳۹۶).

اندازه شرکت (Size): از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها اندازه‌گیری خواهد شد (بادآور نهندی و راهنما، ۱۳۹۸).

متغیر میانجی: مدیریت سود (EM)

در این پژوهش همانند پژوهش رحمانی و رامشه (۱۳۹۲)، اقلام تعهدی اختیاری، به منزله شاخص مدیریت سود (EM) به کار خواهد رفت. سطح عادی اقلام تعهدی کل بر اساس مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) و بر اساس رابطه زیر به دست می‌آید:

$$\frac{\text{Accruals}_{it}}{A_{i,t-1}} = \frac{\text{TA}_{it}}{A_{i,t-1}} = \alpha_0 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_1 \left(\frac{\Delta \text{REV}_{it}}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\text{PPE}_{it}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

Accruals_{it} : سود قبل از اقلام غیرمترقبه و عملیات متوقف شده، منهای جریان نقد عملیاتی در سال t

$A_{i,t-1}$: جمع دارایی‌های شرکت شرکت i در سال t-1

ΔREV_{it} : تغییرات درآمد فروش شرکت شرکت i در سال t نسبت به سال t-1

PPE_{it} : مبلغ ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت

رابطه فوق با استفاده از داده‌های ترکیبی برآورد و از قدرمطلق باقی مانده برآورد شده مدل به منزله شاخص مدیریت سود (EM)، بکار می‌رود (رحمانی و رامشه، ۱۳۹۲).

متغیرهای کنترلی

اهرم مالی (LEV): از تقسیم کل بدهیها به کل داراییها محاسبه می‌شود (بادآور نهندی و راهنما، ۱۳۹۸).

بازده داراییها (ROA): عبارت است از سود قبل از بهره و مالیات تقسیم بر کل داراییهای شرکت (دبیری نیا و همکاران، ۱۳۹۹).

نسبت دارایی نامشهود به کل دارایی (INTAN): برابر است با تقسیم دارایی نامشهود بر کل دارایی (حسینی و مرفوع، ۱۳۹۶).

یافته ها

یافته‌های توصیفی

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول ۳ و ۴، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می‌دهد. آمار توصیفی مربوط به ۱۳۳ شرکت نمونه طی دوره زمانی ۱۰ ساله (۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰) می‌باشد.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش

نام متغیر	نماد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
اجتناب مالیاتی	TA	۱۳۳۰	-۰.۰۹۷	۰.۰۸۷	-۰.۵۳۲	۰
مدیریت سود	EM	۱۳۳۰	۰.۱۴۶	۰.۱۴۲	۰.۰۰۱	۰.۹۶۴
معاملات با اشخاص وابسته	RPT	۱۳۳۰	۰.۷۴۱	۱.۴۳۱	۰	۱۶.۳۶۵
اندازه شرکت	Size	۱۳۳۰	۱۴.۶۳۷	۱.۵۳۲	۱۰.۳۵۲	۲۱.۳۲۷
اهرم مالی	LEV	۱۳۳۰	۰.۵۵۷	۰.۲۱۴	۰.۰۳۱	۱.۸۲۴
بازده داراییها	ROA	۱۳۳۰	۰.۱۹۶	۰.۱۶۲	-۰.۵۸۱	۰.۶۷۵
دارایی نامشهود به کل دارایی	INTAN	۱۳۳۰	۰.۰۰۴	۰.۰۰۷	۰.۰۰۰۹	۰.۰۵۷

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر اهرم مالی برابر با (۰.۵۵۷) می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند و می‌توان گفت که در شرکت‌های عضو نمونه به طور میانگین ۵۵ درصد دارایی‌ها به صورت تامین مالی و از طریق بدهی‌ها تشکیل یافته است. به‌طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای اندازه شرکت برابر با ۱.۵۳۲ و برای دارایی نامشهود به کل دارایی برابر با ۰.۰۰۷ می‌باشد که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین انحراف معیار هستند. کمینه و بیشینه نیز کمترین و بیشترین را در هر متغیر نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال بزرگ‌ترین مقدار اهرم مالی ۱.۸۲۴ است که نشان می‌دهد در شرکت‌های نمونه شرکتی وجود دارد که کل بدهی‌های آن از کل دارایی‌ها بیشتر بوده و حقوق صاحبان سهام آن منفی است.

جدول ۴. توزیع فراوانی متغیر بحران مالی

شرح	فراوانی	درصد فراوانی
۰	۹۷۱	۷۳.۰۱
۱	۳۵۹	۲۶.۹۹
جمع کل	۱۳۳۰	۱۰۰.۰۰

همانطور که در جدول ۴ قابل مشاهده است، جمع کل شرکت - سال‌های مورد بررسی برابر با ۱۳۳۰ می باشد که از بین آنها تعداد ۳۵۹ شرکت-سال یعنی ۲۶.۹۹ درصد شرکت‌ها دارای بحران مالی می‌باشند.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج فرضیه اول در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. نتیجه آزمون فرضیه اول

$TA_{it} = \beta_0 + \beta_1 RPT_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 INTAN_{it}$						
متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی						
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری	هم‌خطی
معاملات با اشخاص وابسته	RPT	-۰.۰۰۲	۰.۰۰۱	-۲.۰۲	۰.۰۴۳	۱.۰۳
اهرم مالی	LEV	-۰.۰۲۴	۰.۰۱۰۱	-۲.۴۴	۰.۰۱۵	۱.۳۱
بازده داراییها	ROA	-۰.۰۷۶	۰.۰۱۲	-۶.۲۳	۰.۰۰۰	۱.۳۲
دارایی نامشهود به کل دارایی	INTAN	۰.۰۶۵	۰.۱۳۴	۰.۴۸	۰.۶۲۸	۱.۰۲
C		-۰.۱۰۲	۰.۰۰۷	-۱۳.۸۴	۰.۰۰۰	---
ضریب تعیین				۰.۳۶۵۳		
آماره والد				۴۲.۷۱		
سطح معناداری				۰.۰۰۰۰		

نتایج جدول ۵، نشان می‌دهد که معاملات با اشخاص وابسته با ضریب منفی و سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد تاثیر معکوس بر اجتناب مالیاتی دارد و فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. متغیرهای کنترلی اهرم مالی و بازده دارایی‌ها دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد و ضریب منفی می‌باشند از این‌رو رابطه معکوس و معناداری با متغیر وابسته دارند. ضریب تعیین برابر با ۳۶ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۳۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۴۲.۷۱ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این‌رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. آزمون هم‌خطی نشان می‌دهد عامل تورم واریانس در متغیرهای مدل وجود ندارد. نتایج فرضیه دوم در جدول ۶ ارائه شده است.

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که بحران مالی با سطح معنی‌داری بیشتر از ۵ درصد تاثیری بر اجتناب مالیاتی ندارد و فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. متغیرهای کنترلی اهرم مالی و بازده دارایی‌ها دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد و ضریب منفی می‌باشند از این‌رو رابطه معکوس و معناداری با متغیر وابسته دارند. ضریب تعیین برابر با ۳۶ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند

۳۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۳۸.۵۴ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. آزمون هم خطی نشان می‌دهد عامل تورم واریانس در متغیرهای مدل وجود ندارد. نتایج فرضیه سوم در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۶. نتیجه آزمون فرضیه دوم

$TA_{it} = \beta_0 + \beta_1 FD_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 INTAN_{it}$						
متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی						
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری	هم خطی
بحران مالی	FD	-۰.۰۰۲	۰.۰۰۳	-۰.۶۵	۰.۵۱۶	۱.۰۹
اهرم مالی	LEV	-۰.۰۲۵	۰.۰۱۰۲	-۲.۴۸	۰.۰۱۳	۱.۳۳
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰.۰۷۸	۰.۰۱۳	-۶.۰۲	۰.۰۰۰	۱.۴۳
دارایی نامشهود به کل دارایی	INTAN	۰.۰۹۱	۰.۱۳۷	۰.۶۶	۰.۵۰۸	۱.۰۱
C		-۰.۱۰۳	۰.۰۰۷	-۱۳.۳۹	۰.۰۰۰	---
ضریب تعیین		۰.۳۶۲۶				
آماره والد		۳۸.۵۴				
سطح معناداری		۰.۰۰۰۰				

جدول ۷. نتیجه آزمون فرضیه سوم

$TA_{it} = \beta_0 + \beta_1 Size_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 INTAN_{it}$						
متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی						
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری	هم خطی
اندازه شرکت	Size	-۰.۰۰۰۰۵	۰.۰۰۱	-۰.۳۲	۰.۷۵۰	۱.۰۶
اهرم مالی	LEV	-۰.۰۲۴	۰.۰۱۰۱	-۲.۴۴	۰.۰۱۵	۱.۳۰
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰.۰۷۵	۰.۰۱۲	-۶.۱۲	۰.۰۰۰	۱.۳۷
دارایی نامشهود به کل دارایی	INTAN	۰.۰۷۲	۰.۱۳۹	۰.۵۲	۰.۶۰۴	۱.۰۲
C		-۰.۰۹۷	۰.۰۲۴	-۳.۹۰	۰.۰۰۰	---
ضریب تعیین		۰.۳۶۳۹				
آماره والد		۳۸.۲۶				
سطح معناداری		۰.۰۰۰۰				

نتایج جدول ۷، نشان می‌دهد که متغیر اندازه شرکت با سطح معنی داری بیشتر از ۵ درصد تأثیری بر اجتناب مالیاتی ندارد و فرضیه سوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. متغیرهای کنترلی اهرم مالی و بازده دارایی‌ها دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد و ضریب منفی می‌باشند از این رو رابطه معکوس و معناداری با متغیر وابسته دارند. ضریب تعیین برابر با ۳۶ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۳۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۳۸.۲۶ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. آزمون هم خطی نشان می‌دهد عامل تورم واریانس در متغیرهای مدل وجود ندارد.

نتایج فرضیه چهارم در جدول ۸ ارائه شده است.

نتایج جدول ۸، نشان می‌دهد که متغیر مدیریت سود با ضریب مثبت و سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد تأثیر مستقیم بر اجتناب مالیاتی دارد و فرضیه چهارم در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. متغیرهای کنترلی اهرم مالی و بازده دارایی‌ها دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد و ضریب منفی می‌باشند از این رو رابطه معکوس و معناداری با متغیر وابسته دارند ضریب تعیین برابر با ۳۶ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۳۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۴۱.۳۱ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. آزمون هم خطی نشان می‌دهد عامل تورم واریانس در متغیرهای مدل وجود ندارد. نتایج فرضیه پنجم در جدول ۹ ارائه شده است.

جدول ۸. نتیجه آزمون فرضیه چهارم

$TA_{it} = \beta_0 + \beta_1 EM_{it} + \beta_2 EMLEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 INTAN_{it}$						
متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی						
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری	هم خطی
مدیریت سود	EM	۰.۰۳۳	۰.۰۰۸	۳.۹۲	۰.۰۰۰	۱.۰۲
اهرم مالی	LEV	-۰.۰۲۶	۰.۰۱۳	-۱.۹۹	۰.۰۴۶	۱.۳۱
بازده داراییها	ROA	-۰.۰۸۸	۰.۰۱۴	-۵.۹۷	۰.۰۰۰	۱.۳۳
دارایی نامشهود به کل دارایی	INTAN	۰.۱۶۳	۰.۱۹۲	۰.۸۵	۰.۳۹۵	۱.۰۱
C		-۰.۱۰۶	۰.۰۰۹	-۱۱.۲۵	۰.۰۰۰	---
ضریب تعیین				۰.۳۶۷۷		
آماره والد				۴۱.۳۱		
سطح معناداری				۰.۰۰۰۰		

جدول ۹. نتیجه آزمون فرضیه پنجم

$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 RPT_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 INTAN_{it}$						
متغیر وابسته: مدیریت سود						
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری	هم خطی
معاملات با اشخاص وابسته	RPT	۰.۰۰۶	۰.۰۰۲	۲.۶۲	۰.۰۰۹	۱.۰۳
اهرم مالی	LEV	۰.۰۶۷	۰.۰۲۱	۳.۱۸	۰.۰۰۱	۱.۳۱
بازده دارائیهها	ROA	۰.۰۹۲	۰.۰۳۸	۲.۴۴	۰.۰۱۵	۱.۳۲
دارایی نامشهود به کل دارایی	INTAN	-۰.۴۷۹	۰.۵۰۱	-۰.۹۶	۰.۳۳۹	۱.۰۲
C		۰.۰۸۸	۰.۰۱۶	۵.۳۲	۰.۰۰۰	---
ضریب تعیین				۰.۰۱۶۸		
آماره والد				۲۵.۵۸		
سطح معناداری				۰.۰۰۰۰		

نتایج جدول ۹، نشان می دهد که معاملات با اشخاص وابسته با ضریب مثبت و سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد تاثیر مستقیم بر مدیریت سود دارد و فرضیه پنجم در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می شود. متغیرهای کنترلی اهرم مالی و بازده دارائیهها دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشند از این رو رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارند. ضریب تعیین برابر با ۱ درصد می باشد که نشان می دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته اند ۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۲۵.۵۸ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو می توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. آزمون هم خطی نشان می دهد عامل تورم واریانس در متغیرهای مدل وجود ندارد.

نتایج فرضیه ششم در جدول ۱۰ ارائه شده است.

نتایج جدول ۱۰، نشان می دهد که بحران مالی با سطح معنی داری بیشتر از ۵ درصد تاثیری بر مدیریت سود ندارد و فرضیه ششم در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود. متغیرهای کنترلی اهرم مالی و بازده دارائیهها دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشند از این رو رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارند. ضریب تعیین برابر با ۱ درصد می باشد که نشان می دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته اند ۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۱۶.۷۳ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو می توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. آزمون هم خطی نشان می دهد عامل تورم واریانس در متغیرهای مدل وجود ندارد.

نتایج فرضیه هفتم در جدول ۱۱ ارائه شده است.

جدول ۱۰. نتیجه آزمون فرضیه ششم

$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 FD_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 INTAN_{it}$						
متغیر وابسته: مدیریت سود						
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری	هم‌خطی
بحران مالی	FD	-۰.۰۰۸	۰.۰۰۸	-۰.۹۵	۰.۳۴۲	۱.۰۹
اهرم مالی	LEV	۰.۰۶۸	۰.۰۲۲	۳.۱۱	۰.۰۰۲	۱.۳۳
بازده داراییها	ROA	۰.۰۸۱	۰.۰۲۹	۲.۷۸	۰.۰۰۵	۱.۴۳
نسبت دارایی نامشهود به کل دارایی	INTAN	-۰.۵۳۰۸	۰.۳۸۷	-۱.۳۷	۰.۱۷۰	۱.۰۱
C						
				۰.۰۱۳۲	ضریب تعیین	
				۱۶.۷۳	آماره والد	
				۰.۰۰۰۰	سطح معناداری	

جدول ۱۱. نتیجه آزمون فرضیه هفتم

$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 Size_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 INTAN_{it}$						
متغیر وابسته: مدیریت سود						
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری	هم‌خطی
اندازه شرکت	Size	۰.۰۰۵	۰.۰۰۲	۱.۹۷	۰.۰۴۹	۱.۰۶
اهرم مالی	LEV	۰.۰۷۰۲	۰.۰۲۱	۳.۲۴	۰.۰۰۱	۱.۳۰
بازده داراییها	ROA	۰.۰۷۷	۰.۰۲۸	۲.۷۳	۰.۰۰۶	۱.۳۷
دارایی نامشهود به کل دارایی	INTAN	-۰.۴۷۳	۰.۳۸۶	-۱.۲۳	۰.۲۲۰	۱.۰۲
C						
				۰.۰۱۵۵	ضریب تعیین	
				۱۹.۱۴	آماره والد	
				۰.۰۰۰۰	سطح معناداری	

نتایج جدول ۱۱، نشان می‌دهد که متغیر اندازه شرکت با ضریب مثبت و سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد تاثیر مستقیم بر مدیریت سود دارد و فرضیه هفتم در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. متغیرهای کنترلی اهرم مالی و بازده داراییها دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشند از این رو رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارند. ضریب تعیین برابر با ۱ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۱۹.۱۴ و

سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. آزمون هم خطی نشان می‌دهد عامل تورم واریانس در متغیرهای مدل وجود ندارد.

آزمون سوبل (Sobel Test) برای فرضیه های ۸.۹ و ۱۰

برای آزمون تأثیر یک متغیر میانجی، یک آزمون پرکاربرد بنام آزمون سوبل نیز وجود دارد که برای معناداری تأثیر میانجی یک متغیر در رابطه میان دو متغیر دیگر بکار می‌رود. در آزمون سوبل، مقدار Z-value از طریق فرمول زیر بدست می‌آید که در صورت بیشتر شدن این مقدار از ۱.۹۶ می‌توان در سطح ۹۵ درصد معنادار بودن تأثیر میانجی یک متغیر را تایید نمود. نتایج فرضیه هشتم، نهم و دهم در جدول ۱۲ ارائه شده است.

جدول ۱۲. نتیجه آزمون سوبل برای فرضیه های ۸.۹ و ۱۰ پژوهش

معناداری	آماره	فرضیه
۰.۰۲۷۱	۲.۲۰۷۸	فرضیه ۸: معاملات با اشخاص وابسته بر اجتناب مالیاتی با نقش میانجیگری مدیریت سود تأثیر دارد.
۰.۳۵۵۸	۰.۹۲۳۲	فرضیه ۹: بحران مالی بر اجتناب مالیاتی با نقش میانجیگری مدیریت سود تأثیر دارد.
۰.۰۷۸۳	۱.۷۶۰۲	فرضیه ۱۰: اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی با نقش میانجیگری مدیریت سود تأثیر دارد.

با توجه به نتیجه آزمون سوبل، چون سطح معناداری این آزمون کمتر از ۵ درصد است بنابراین این فرضیه پذیرفته شده و می‌توان نتیجه گرفت که معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و میانجیگری مدیریت سود تأثیر دارد. یعنی مدیریت سود بر ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و اجتناب مالیاتی نقش میانجی‌گری دارد و معاملات با اشخاص وابسته از طریق مدیریت سود موجبات تغییر معنی دار اجتناب مالیاتی می‌شود. با توجه به نتیجه آزمون سوبل، چون سطح معناداری این آزمون بیشتر از ۵ درصد است بنابراین این فرضیه پذیرفته نشده و می‌توان نتیجه گرفت که بحران مالی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و میانجیگری مدیریت سود تأثیر ندارد. یعنی مدیریت سود بر ارتباط بین بحران مالی و اجتناب مالیاتی نقش میانجی‌گری ندارد و بحران مالی از طریق مدیریت سود موجبات تغییر معنی دار اجتناب مالیاتی نمی‌شود. ضمن اینکه با توجه به عدم تأثیر معنادار بحران مالی بر اجتناب مالیاتی نیز، می‌توان گفت که مدیریت سود نقش میانجی‌گری ندارد و این فرضیه رد می‌شود. با توجه به نتیجه آزمون سوبل، چون سطح معناداری این آزمون بیشتر از ۵ درصد است بنابراین این فرضیه پذیرفته نشده و می‌توان نتیجه گرفت که اندازه شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و میانجیگری مدیریت سود تأثیر ندارد. یعنی مدیریت سود بر ارتباط بین اندازه شرکت و اجتناب مالیاتی نقش میانجی‌گری ندارد و اندازه شرکت از طریق مدیریت سود موجبات تغییر

معنی دار اجتناب مالیاتی نمی‌شود. ضمن اینکه با توجه به عدم تاثیر معنادار اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی نیز، می‌توان گفت که مدیریت سود نقش میانجیگری ندارد و این فرضیه رد می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج حاصل فرضیه اول می‌توان گفت معاملات با اشخاص وابسته بر اجتناب مالیاتی تاثیر دارد و این تاثیر به صورت معکوس است. یعنی با افزایش معاملات با اشخاص وابسته، اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد. بدیهی است که در شرایطی که معاملات با اشخاص وابسته شرکتها بیشتر شود نظارت و حساسیت حسابرسان مستقل و همچنین سازمان امور مالیاتی بر حسابها بیشتر شده و در نتیجه مدیران شرکت آزادی عمل کمتری در رابطه با اجتناب مالیات خواهند داشت و اجتناب از پرداخت مالیات کاهش خواهد یافت. به لحاظ مقایسه پژوهش حاضر با مطالعات سبحانیان (۱۳۹۷) و ماهاردیکا و سوجانداری (۲۰۲۲) مطابق بوده ولی، مخالف با پژوهش مظاهری و رضایی (۱۳۹۵) و رزکی و همکاران (۲۰۲۱) است.

با توجه به نتایج حاصل از فرضیه دوم می‌توان گفت بحران مالی بر اجتناب مالیاتی تاثیر ندارد. یعنی وجود یا عدم بحران مالی، تاثیری معنی دار در افزایش یا کاهش اجتناب مالیاتی ندارد. بدیهی است که در شرایطی که بحران مالی شرکتها بیشتر شده و شرکتها برای تامین منابع مالی خود دچار بحران شوند معمولا از روش‌های دیگری به غیر از روش اجتناب از پرداخت مالیات اقدام به حل و فصل نمودن بحران‌های مالی می‌کنند. به لحاظ مقایسه پژوهش حاضر با مطالعات بهارمقدم و نبی زاده (۱۳۹۵)، تاج میرریاحی و اسدی (۱۴۰۰)، رده و شیرینی (۱۴۰۰) و بهارمقدم و نبی زاده (۱۳۹۵) مخالف است. ولی با پژوهش ماهاردیکا و سوجانداری (۲۰۲۲) مطابق است.

با توجه به نتایج حاصل از فرضیه سوم می‌توان گفت اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی تاثیر ندارد. یعنی اندازه شرکت و بزرگ یا کوچکتر بودن آن، تاثیری معنی دار در افزایش یا کاهش اجتناب مالیاتی ندارد. بدیهی است که اندازه شرکتها تاثیری در اجتناب مالیاتی ندارد و اجتناب از پرداخت مالیات وابسته به عوامل دیگری می‌باشد. به لحاظ مقایسه پژوهش حاضر با ماهاردیکا و سوجانداری (۲۰۲۲) مخالف است.

با توجه به نتایج حاصل از فرضیه چهارم می‌توان گفت مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی تاثیر دارد و این تاثیر به صورت مستقیم است. یعنی با افزایش مدیریت سود، اجتناب مالیاتی شرکت نیز افزایش می‌یابد. بدیهی است که در شرایطی که مدیریت سود شرکتها بیشتر شده و مدیران سود را دستکاری کنند در آن صورت، اجتناب از پرداخت مالیات افزایش خواهد یافت. به لحاظ مقایسه با پژوهش عباس زاده و همکاران (۱۳۹۵) مطابق است.

با توجه به نتایج حاصل از فرضیه پنجم می‌توان گفت معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود تاثیر دارد و این تاثیر به صورت مستقیم است. یعنی با افزایش معاملات با اشخاص وابسته، مدیریت سود نیز افزایش می‌یابد. بدیهی است که در شرایطی که معاملات با اشخاص وابسته شرکتها بیشتر شود آزادی عمل مدیران در فروش با حداقل سود بازر بوده و می‌توانند سود را دستکاری کرده و موجبات افزایش مدیریت سود گردند. به لحاظ مقایسه با سرلک و اکبری (۱۳۹۲) مطابق است. آنها رابطه معاملات اشخاص وابسته با مدیریت سود را آزمون کردند. یافته

های پژوهش آنها نشان داد معاملات اشخاص وابسته با مدیریت سود رابطه ای معنادار و مثبت دارد. ولی مخالف با پژوهش خدای پور و همکاران (۱۳۹۱) است.

با توجه به نتایج حاصل از فرضیه ششم می توان گفت بحران مالی بر مدیریت سود تأثیر ندارد. یعنی وجود یا عدم بحران مالی، تأثیری معنی دار در افزایش یا کاهش مدیریت سود ندارد. برخی دیگر از پژوهش های حسابداری نشان داده اند که مدیران شرکت ها در شرایط درماندگی مالی مایل به ارائه اطلاعات و اخبار خوب به بازار سرمایه هستند تا بدین وسیله، از کاهش ارزش شرکت جلوگیری نمایند. نتایج این فرضیه مخالف با پژوهش سیلا و جاربویی (۲۰۱۹) است.

با توجه به نتایج حاصل از فرضیه هفتم می توان گفت اندازه شرکت بر مدیریت سود تأثیر دارد و این تأثیر به صورت مستقیم است. یعنی اندازه شرکت و بزرگ بودن آن، موجب افزایش مدیریت سود می شود. نتایج این فرضیه مخالف با پژوهش زنگنه و مریدیان (۱۳۹۸) است.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون سوبل مربوط به فرضیه هشتم می توان گفت که معاملات با اشخاص وابسته بر اجتناب مالیاتی با نقش میانجیگری مدیریت سود تأثیر دارد. یعنی، که اثر غیرمستقیم معاملات اشخاص وابسته بر اجتناب مالیاتی از طریق مدیریت سود وجود دارد و مدیریت سود می تواند واسطه ارتباط بین معاملات اشخاص وابسته و اجتناب مالیاتی باشد. به لحاظ مقایسه با مطالعات ماهاردیکا و سوجاندری (۲۰۲۲) مطابقت دارد.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون سوبل مربوط به فرضیه نهم می توان گفت که بحران مالی بر اجتناب مالیاتی با نقش میانجیگری مدیریت سود تأثیر ندارد. یعنی، که اثر غیرمستقیم بحران مالی بر اجتناب مالیاتی از طریق مدیریت سود وجود ندارد و مدیریت سود نمی تواند واسطه ارتباط بین بحران مالی و اجتناب مالیاتی باشد. مشکلات مالی شرکت ها را تشویق می کند تا درآمد عملیاتی موقت را با دستکاری سیاست های حسابداری افزایش دهند، به طوری که به نظر می رسد می توانند بدهی ها را پرداخت کنند یا پرداخت ها به طلبکاران را دستکاری کنند. به لحاظ مقایسه با مطالعات ماهاردیکا و سوجاندری (۲۰۲۲) مخالف است.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون سوبل مربوط به فرضیه دهم می توان گفت که اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی با نقش میانجیگری مدیریت سود تأثیر ندارد. یعنی، که اثر غیرمستقیم اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی از طریق مدیریت سود وجود ندارد و مدیریت سود نمی تواند واسطه ارتباط بین اندازه شرکت و اجتناب مالیاتی باشد. شرکت های بزرگ تمایل دارند منابعی برای کسب سودهای کلان و پایدار با عواقب پرداخت مالیات های کلان نیز داشته باشند تا بتوانند با بهره برداری از شکاف های موجود در پیچیدگی عملیات، مدیریت را به اجتناب از مالیات تشویق کنند. به لحاظ مقایسه، با مطالعات ماهاردیکا و سوجاندری (۲۰۲۲) مخالف است.

فهرست منابع

* بهارمقدم، مهدی، نبی زاده، فریبا. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر درماندگی مالی بر اجتناب مالیاتی شرکتها با لحاظ تحریم های اقتصادی، چهارمین کنفرانس بین المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری با رویکرد ارزش آفرینی، شیراز.

- * جلالی، سیدعبدالمجید؛ رحیمی پور، اکبر؛ میر، هدیه و جمال زاده، محمود. (۱۳۹۶). تاثیر شاخص کیفیت حاکمیت شرکتی بر محدود کردن مدیریت سود با استفاده از معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. راهبرد مدیریت مالی. ۱۶(۵)، ۲۷-۱.
- * خانی، عبدالله؛ ایمانی، کریم و یوسفی، امین. (۱۳۹۳). اجتناب از مالیات، نحوه اندازه‌گیری و عوامل موثر بر آن. حسابداری، پاسخگویی و منافع جامعه، ۴، ۴(۱۵)، ۱۲۱-۱۴۲.
- * خدای پور، احمد و روستایی، شکوفه. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات با اجتناب از مالیات و محتوای اطلاعاتی آن. فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱، ۳۵-۴۶.
- * خدای پور، احمد؛ امینی، میثم و هوشمند زعفرانی، رحمت‌الله. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر الزامات افشای معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود. فصلنامه پژوهش حسابداری. ۲(۲)، ۸۷-۶۹.
- * سرلک، نرگس و اکبری، مینا. (۱۳۹۲). رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. ۲۰(۴)، ۹۲-۷۷.
- * مدرس، احمد و زارعیان، حمید. (۱۳۹۲). بررسی محتوای تفاوت مالیات ابرازی و قطعی و ارتباط آن با کیفیت سود شرکتها. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۱۷، ۱۵-۲۸.
- * مهربان پور، محمدرضا، آهنگری، مهناز، وقفی، سیدحسام، مام‌صالحی، پرویز. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر اجتناب از مالیات و تأثیر آن بر معیارهای ارزیابی عملکرد با استفاده از معادلات ساختاری، ۴(۱۴)، ۶۵-۸۶.
- * Brondolo, J. (2009). Collecting Taxes During an Economic Crisis: Challenges and Policy Options. IMF Staff Position Notes, 2009(17), 2.
- * Dewinta, I. A. R., & Setiawan, P. E. (2016). Pengaruh Ukuran Perusahaan, Umur Perusahaan, Profitabilitas, Leverage, Dan Pertumbuhan Penjualan Terhadap Tax Avoidance. E-Jurnal Akuntansi Universitas Udayana, Vol.14.3., 1584-1613.
- * Ellyani, M. (2018). Pengaruh Related Party Transaction Terhadap Agresivitas Pajak dan Manajemen Laba Sebagai Variabel Intervening (Studi Empiris Pada Perusahaan Manufaktur yang Listing di Bursa Efek Indonesia Pada Tahun 2014-2016).
- * Gul F. Jaggi B., (2014). Auditor Independence : Evidence on the Joint Effets of Auditor Tenure and Non-Audit Fees". Auditing: A Journal of Practice and Theory, 32, 110-122.
- * Hanlon, M. & S. Heitzman .(2010). A Review of Tax Research, Journal of Accounting and Economics,
- * Jantadej, P. (2006). Using the Combination of Cash Flow Components to Predict Finance Distress. Ph.D. Thesis. The Graduate College at the University of Nebraska.
- * Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs, and Ownership Structure. In Journal of Financial Economics (Vol. 3). Q North-Holland Publishing Company.
- * Mahardhika, Dhian, Surjandari Dwi Asih, (2022), The Effect of Related Party Transaction, Financial Distress, and Firm Size on Tax Avoidance with Earnings Management as Intervening Variable, Journal of Economics, Finance and Accounting Studies, PP:1-11
- * McKee, T. M., Eilifsen. A., Lensberg, T. (2006). "Bankruptcy theory development and classification via genetic programming", European Journal of Operational Research, 169, 667-697.

- * Meilia, P., & Adnan. (2017). Pengaruh Financial Distress, Karakteristik Eksekutif, dan Kompensasi Eksekutif terhadap Tax Avoidance pada Perusahaan Jakarta Islamic Index. *Jurnal Ilmiah Mahasiswa Ekonomi Akuntansi (JIMEKA)*, 2(4), 84–92.
- * Park, S. (2018). Related Party Transactions and Tax Avoidance of Business Groups. *Sustainability*, 10(10), 3571.
- * Utama, C. A. (2015). Penentu Besaran Transaksi Pihak Berelasi Tata Kelola, Tingkat Pengungkapan, Dan Struktur Kepemilikan. *Jurnal Akuntansi Dan Keuangan Indonesia*, 12(1), 37–54.

The role of earnings management in the effect of related party transactions, financial crisis and firm size on tax avoidance

Abdolrasoul Rahmanian Koushkaki

Assistant Professor, Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran
(Corresponding author)
abr.rahmanian@pnu.ac.ir

Ayeshah Masoomi

MSc.Student, Department of Accounting, Payame Noor University .Tehran, Iran

Abstract

The present study investigates the effect of transactions with related parties, financial crisis and company size on tax avoidance with emphasis on the mediating role of profit management. This research is practical in terms of its purpose, and from the point of view of correlation methodology, it is causal type (post-event). The statistical population of the research is the companies admitted to the Tehran Stock Exchange, and using the systematic elimination sampling method, 133 companies were selected as the research sample in the 10-year period between 1391 and 1400. The results of the research show that transactions with related parties have an adverse effect on tax avoidance. However, profit management has a direct impact on tax avoidance. Also, transactions with related parties have a direct impact on profit management. Company size has a direct impact on earnings management. Transactions with related parties have an effect on tax avoidance with the mediation role of profit management.

Keywords: Related party transactions, financial crisis, company size, tax avoidance, earnings management.